

فصل الخطاب "التطور هادف":

ختم كلام: "تكامل هدفمند است"

لدينا جينات وطفرة جينية وقانون البقاء للجينة الأفضل أو يمكن أن نقول: للكائن الأفضل، فالفرق بين الجينة والكائن كالفرق بين خريطة بناء البيت والبيت نفسه وقانون البقاء للجينة المفضلة يصلق هذه الجينات، ونحن نعلم الآن بشكل قطعي أن آلة البقاء الأفضل بالنسبة للحياة الأرضية على الإطلاق هي آلة الذكاء (الدماغ)، ورغم أن كلفة آلة الذكاء أو الدماغ الاقتصادية عالية جداً على الكائن الحي حيث إنه يحتاج كمية غذاء كبيرة ولكن التطور بالنتيجة مُجبر على أن يسير بهذا الاتجاه أي أن يطور آلة الذكاء.

ما با ژن‌ها، جهش ژنتیکی و قانون بقای ژن برتر - یا به عبارت دیگر موجود برتر - سر و کار داریم. تفاوت میان ژن با جاندار، همچون تفاوت نقشه ساختمان با خود ساختمان است. قانون بقای ژن برتر، این ژن‌ها را صیقل می‌دهد. اکنون با کمال اطمینان می‌دانیم که وسیله بقای موجود شایسته‌تر در زندگی زمینی، به‌طور کلی همان ابزار هوشمندی وی یا مغز وی می‌باشد. ابزار هوشمندی یا مغز، به مقدار زیادی غذا نیاز دارد و برای موجود زنده بسیار هزینه‌بر می‌باشد؛ با این حال تکامل مجبور است در مسیر این رویکرد یعنی پیشرفت دادن ابزار هوشمندی گام بردارد.

فطالما أن الطفر الجيني موجود منذ البداية فلا بد أن تتوفر جينات بناء آلة الذكاء (الدماغ مثلاً) عاجلاً أم آجلاً حتى وإن كان الطفر الجيني عشوائياً تماماً.

جهش ژنتیکی از همان آغاز وجود داشته است، بنابراین باید ژن‌های ساخت ابزار هوشمندی (برای مثال مغز) دیر یا زود به وجود آیند؛ هرچند جهش ژنتیکی کاملاً بی‌هدف تلقی گردد.

وبما أن قانون البقاء للجينات الأفضل أو للكائن الأفضل^(١) هو الحاكم في عملية التطور، إذن فالنتيجة أننا الآن يمكننا الجزم بأن التطور منذ البداية متجه وهدف لإنتاج جينات آلة ذكاء أو كائن ذكي، فالتطور إذن هادف.

(١). الجينات والكائن كخريطة البناء والبناء نفسه فالجينات تمثل الخريطة والكائن الحي يمثل ناتج تنفيذ الخريطة.

از آنجا که در روند تکامل، قانون بقای ژن‌های برتر یا بقای موجود برتر^(١) حاکم است، می‌توانیم قاطعانه بگوییم که سمت و سوی حرکت تکامل از آغاز مشخص بوده و هدف آن نیز، تولید ژن‌های ابزار هوشمندی و یا موجود باهوش بوده است. بنابراین تکامل هدفمند می‌باشد.

(١). رابطه ژن‌ها با جاندار، مانند رابطه نقشه ساختمان و خود ساختمان است. ژن‌ها نقشه هستند و جاندار

دست‌آورد اجرای نقشه.

وَأَعْتَقِدُ أَنَّ هَذَا الاستدلال التام كافٍ لنقض نظرية د. دوكنز الإلحادية ضمن نطاق الحياة الأرضية القائمة على أن التطور غير هادف على المدى البعيد.

به نظر من این استدلال تام و تمام برای ردّ نظریه خداناباورانه دکتر داوکینز - آنجا که می‌گوید زندگی زمینی بر پایه تکامل، در درازمدت بی‌هدف است - کافی باشد.

والحقیقة، إننا لو أردنا التوسع في حكمنا المتقدم أكثر ونعمم الحكم على أي نوع حياة يمكن أن نتخيله فيمكننا أن نجزم - بناءً على قانون التطور المعتمد على طفر المتضاعفات أو آلات النسخ وانتخاب الأفضل منها - أن أي حياة سواء كانت كحياتنا الأرضية - مبنية على الماء والكربون والنترجين والمواد الكيميائية الأخرى - أم كانت في كوكب آخر أو كون آخر ومبنية على الأمونيا بدل الماء، أم على السليكون بدل الكربون - لأنه قادر على تكوين سلاسل طويلة كالكربون - فستكون نتيجتها الحتمية هو إنتاج آلة الذكاء، هذا هو الهدف الحتمي للتطور بحسب القانون الذي نعرفه الآن، ولا يمكن أن تحيد أي حياة أو متضاعفات أو آلات نسخ وتطور عن الوصول إليه عاجلاً أم آجلاً.

در حقیقت اگر بخواهیم حکم پیشین را بیشتر توسعه دهیم و این حکم را به هر نوع حیاتی که در مخیله‌مان می‌گنجد تعمیم دهیم، طبق قانون تکامل - که مبتنی بر جهش همانندسازها یا ابزارهای همانندسازی و انتخاب برترین آنها است - می‌توانیم قاطعانه نظر خود را به این صورت بیان کنیم: هر نوع زندگی، خواه زندگی زمینی ما باشد - که بر آب، کربن، نیتروژن و دیگر مواد شیمیایی استوار است - و خواه زندگی در سیاره یا جهانی دیگر - که به جای آب بر آمونیاک یا به جای کربن بر سیلیکون متکی باشد، چون می‌تواند زنجیره‌های طولانی همچون کربن را به‌وجود آورد - نتیجه حتمی آن، ایجاد ابزار هوشمندی خواهد بود و براساس قانونی که اکنون می‌شناسیم، این همان هدف حتمی تکامل است و هیچ حیات یا

همانندسازی یا ابزار همانندسازی و تکامل نمی‌تواند دیر یا زود از رسیدن به آن برکنار بماند.

مع العلم أنَّ المتوقع من أي حياة أخرى في كوننا الاعتماد على الماء والكربون؛ لأن الماء يعتبر حالة سائلة مثالية لاستضافة الحياة حيث تقل كثافته عند الانجماد ويطفوا وبهذا يسمح الجليد للحياة أن تستمر في الماء السائل تحته وهذه العناصر الأربعة الهيدروجين والأكسجين والنيتروجين والكربون هي الأكثر وفرة في الكون والكربون دون غيره قادر على تشكيل سلاسل ضعيفة يمكن أن تكسر بسهولة وهذا مناسب للأيض والحياة بعكس سلاسل السليكون.

می‌دانیم و انتظار داریم که هر نوع حیات در جهان ما، باید بر آب و کربن استوار باشد؛ زیرا آب مایعی بسیار مناسب برای میزبانی زندگی است؛ چرا که هنگام انجماد جرم‌حجمی‌اش کم می‌شود و یخ روی سطح آب می‌آید و به این ترتیب یخ این اجازه را می‌دهد که زندگی در آب‌های روان زیرش همچنان ادامه یابد. این عناصر چهارگانه هیدروژن، اکسیژن، نیتروژن و کربن، به میزان بیشتری در جهان یافت می‌شوند. کربن به‌تنهایی قادر است زنجیره‌های ضعیفی را به‌وجود آورد که بر خلاف زنجیره‌های سیلیکونی به راحتی شکسته می‌شود و برای متابولیسم و زندگی مناسب می‌باشد.

هكذا نكون قد وصلنا إلى فصل الخطاب وحسم الخلاف حول إمكان إثبات وجود رب أو إله بحسب نظرية التطور، فقد أثبتنا للحياة صفة الهدف وأنها هادفة والتطور هادف، وحيث إن صفة الأثر دالة على صفة المؤثر فيثبت للمؤثر صفة أنه هادف ومدرك

وعالم، وبهذا أثبتنا وجود مؤثر هادف ومدرك وعالم، وبالنتيجة
يثبت وجود رب أو إله سواء كان هو المؤثر المباشر أم كان المؤثر
المباشر أثراً من آثاره دالاً عليه بصفته أيضاً، أي صفة الهادف
التي أثبتناها، وهذا بحد ذاته كافٍ لنقض النظرية الإلحادية
الحديثة المبنية على أساس أن التطور غير هادف على المدى
البعيد.

به این ترتیب به سخن نهایی و حل اختلافات در خصوص امکان اثبات
وجود پروردگار یا خدا بر اساس نظریه تکامل می‌رسیم. ثابت کردیم که
زندگی هدف دارد و هدفمند است، و تکامل نیز به همین صورت. وقتی
«صفتِ اثر دالّتی است بر صفتِ مؤثر» اثبات می‌گردد که مؤثر نیز دارای
صفتِ هدفمندی و تعقل و دانایی است و بر این اساس وجود یک مؤثر
هدفمند، منطقی و دانا را اثبات نموده‌ایم. در نتیجه وجود پروردگار یا خدا،
اثبات می‌گردد، خواه به‌طور مستقیم مؤثر باشد یا یکی از آثارش دالّ بر
این صفتِ وی یعنی هدفمندی باشد. این موضوع، به‌خودی خود برای ردّ
نظریه خدانا‌باورانه جدید، مبنی بر اینکه تکامل فاقد هدفی درازمدت
است، کفایت می‌کند.
